فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال نهم، شماره چهارم (پیاپی ۳۴)، زمستان ۱۳۹۹
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http: //serd.khu.ac.ir
صفحات ۶۲-۴۱

اثربخشی کارآفرینی اجتماعی در توانمندسازی زنان روستایی مورد: مناطق حاشیه‌نشین چابهار

حامد آرامش*؛ استادیار دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
عاطفه رس؛ کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
سهیلا کشاورز؛ کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۰۹ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۵/۳۱

چکیده

پژوهش حاضر باهدف ارائه الگوی اثربخشی کارآفرینی اجتماعی در راستای توانمندسازی زنان جامعه محلی ارائه‌شده است. جامعه آماری این پژوهش تمامی زنان بلوچ مناطق حاشیه‌نشین چابهار در محله‌های رمین، عثمان‌آباد، کمب، قدس، مرادآباد و تیس که از آن‌ها نمونه‌ای ۲۶۶ نفری به روش نمونه‌گیری سهمی انتخاب شد. این پژوهش با روش آمیخته انجام گرفت. در بخش کیفی این روش، باتوجه به استراتژی فراترکیب عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان شناسایی شد و دربخش کمی با پخش دو پرسشنامه، این عوامل در جامعه آماری گفته‌شده ارزیابی و رتبه‌بندی شدند. نتایج حاصل از روش کیفی فراترکیب این عوامل را در ۲۱ شاخص دسته-بندی کرد. دربخش کمی، نتایج حاصل از تحلیل نرم‌افزار SMART PLS نشان داد که تمامی شاخص‌های حاصل از روش کیفی فراترکیب به‌جز شاخص برخورداری از مهارت کافی اثر معناداری بر توانمندسازی زنان بلوچ مناطق حاشیه‌نشین چابهار داشتند و مهم‌ترین این شاخص‌ها، شاخص اعتمادبه‌نفس است و شاخص‌های انگیزه ایجاد اشتغال، میزان تحصیلات، رفع تبعیض از بازار کار، سیاست‌های حمایتی دولت به ترتیب در رتبه-های دوم تا پنجم ازنظر اهمیت توانمندسازی زنان این منطقه برخوردارند.

واژگان کلیدی: کارآفرینی اجتماعی، کارآفرینی زنان، اقتصاد روستایی، توانمند سازی زنان روستایی، چابهار.

* ham_aramesh@eco.usb.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

۱) مقدمه

امروزه با افزایش سیستم اقتصاد جهانی که موجب ایجاد ثروت‌های کلان و گسترش تناقض‌های اقتصادی همچون شکاف بین فقیر و غنی‌شده است، تغییرات اجتماعی گسترده‌ای را به همراه داشته و موجب مطرح‌شدن اندیشه‌های کارآفرینانه در حوزه‌ی مسائل اجتماعی شده است. در سال‌های اخیر کارآفرینی اجتماعی به‌عنوان منبع مهمی از ثروت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی شناسایی‌شده است (Urbano et al, 2010). این پدیده‌ی نوظهور علمی در دنیا راه‌حلی برای تسهیل تغییرات اجتماعی و کمک به توسعه‌ی پایدار اجتماعی اقتصادی در سطح کلان و افزایش بازدهی و پاسخگویی سازمان‌های اجتماعی در سطح خرد شناخته می‌شود (Austin et al, 2007). همچنین دولت‌ها از کارآفرینی اجتماعی با ایجاد چارچوب سازمانی جدید به‌منظور تشویق طرح‌های کارآفرینی اجتماعی جدید و ارائه‌ی کمک‌های مالی به این طرح‌ها حمایت می‌کنند (Hill et al, 2010).

در عصر حاضر با توجه به کمبود منابع و امکانات، رشد چشمگیر جمعیت، جوامع با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند که ازاین‌بین می‌توان به معضل بیکاری اشاره کرد. ازآنجاکه وضعیت اشتغال زنان در ایران مانند بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه، در وضعیت مطلوبی نیست، همواره زنان فرصت‌های شغلی کمتری دارند و غالباً در بخش غیررسمی با اندک دستمزد مشغول به کارند (Narayan, 2001). باتوجه به اینکه نیمی از افراد هر جامعه‌ای را زنان تشکیل می‌دهند شرکت زنان در شغل‌های مختلف و کارآفرینی برای رشد و پیشرفت جامعه لازم و ضروری است. مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و غیره یکی از شاخص‌های تولید کشور محسوب می‌شود. یکی از موضوعات اصلی در توسعه، میزان بهره‌گیری صحیح از توانمندی‌ها و استعدادهای نیروی انسانی جامعه است. بر این اساس باید فرصت‌هایی برای ایجاد مشارکت عادلانه همه اقشار جامعه فراهم نمود و همه از مزایای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی بهره‌مند گردند. باتوجه به اینکه زنان نیمی از منابع جامعه می‌باشند باید سعی نمود تا نقش و مشارکت آنان را در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه بالا برد (رنجبران، ۱۳۹۰). وفاق عمومی که بر سر مسأله‌ی آسیب‌پذیر دانستن زنان سرپرست خانوار وجود دارد، موجب شده که بسیاری از دستگاه‌های محلی، ملی و جهانی، خود را دست‌اندرکار گره‌گشایی از مسائل این زنان و خانواده‌های آنان بدانند و در جهت توانا‌سازی آنان و حمایت از ایشان تا رسیدن به سطح اقتصادی و اجتماعی مطلوب فعالیت کنند. یکی از فعالیت‌های عمده‌ای که در این زمینه در برخی از کشورها صورت گرفته کارآفرینی اجتماعی است که در توانمندسازی زنان مؤثرند (معیدفر و حمیدی، ۱۳۸۵). نظر به اینکه در جوامع روستایی ایران همانند سایر کشورهای درحال‌توسعه، شکاف عمیقی بین زنان و مردان است (Fatemi et al, 2011) توانمندسازی زنان روستایی در کشورهای جهان سوم نابرابری جنسیتی را کاهش می‌دهد و اوضاع اجتماعی آنان را بهبود می‌بخشد (Islam et al, 2012).

استان سیستان و بلوچستان از استان‌های کمتر توسعه‌یافته کشور است. بیکاری زیاد، فقر گسترده، محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی از ویژگی‌های بارز این استان پهناور است. این استان باتوجه به همسایگی با کشورهای افغانستان و پاکستان و رواج برداشت‌های خاص از باورهای مذهبی و همچنین

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

ساختار زندگی سنتی و قبیله‌ای شرایط چندان مناسبی جهت انجام فعالیت‌های کارآفرینانه به‌خصوص برای زنان ندارد (کریم‌زاده، ۱۳۹۸). از مهم‌ترین معیارها برای ارزیابی توسعه کشورها نرخ مشارکت اقتصادی زنان است. میانگین نرخ مشارکت زنان در کشورهای توسعه‌یافته در سال میلادی گذشته ۵۲ درصد و در کشورهایی مانند ایسلند و نروژ به ۸۲ درصد می‌رسد درحالی‌که این نرخ در سیستان و بلوچستان بر اساس آمارگیری نمونه‌ای سال جاری ۱۵ درصد است و تا میانگین کشورهای توسعه‌یافته فاصله زیادی وجود دارد (مدیرکل دفتر جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری استانداری سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۷). در منطقه حاشیه‌نشین چابهار، دید سنتی و عدم باور به توانایی‌های زنان وجود دارد، اکثر زنان این منطقه، مطلقه و یا سرپرست خانوار هستند و از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار نیستند، از آن‌جایی که وضعیت زنان در هر منطقه‌ای، پیشرفت اقتصادی و اجتماعی آن منطقه را نشان می‌دهد و از طرفی به‌دلیل مناسب بودن وضعیت تجاری و اقتصادی منطقه چابهار، فرصت‌های زیادی برای اشتغال‌زایی و توانمندسازی زنان منطقه چابهار وجود دارد. به‌نظر می‌رسد یکی از راه‌های کشف این فرصت‌ها و توانمندساز شدن زنان این منطقه، توجه و پیاده‌سازی کارآفرینی اجتماعی در راستای حمایت از این قشر محروم باشد. تاکنون پژوهش داخلی به‌صورت جامع با رویکرد کارآفرینی اجتماعی، عوامل توانمندساز زنان روستایی را بررسی نکرده است. بنابراین این پژوهش باهدف ارائه الگوی کارآفرینی اجتماعی در راستای توانمندسازی زنان منطقه حاشیه‌نشین چابهار درصدد است با روشی جامع، شاخص‌های مؤثر را استخراج کند و به این سؤالات پاسخ دهد:

۱. چه عواملی بر توانمندسازی زنان منطقه حاشیه‌نشین چابهار مؤثر است؟

۲. تأثیر هرکدام از این عوامل بر توانمندسازی زنان منطقه حاشیه‌نشین چابهار تا چه میزان است؟

۳. چارچوب پیاده‌سازی پیشران‌های مؤثر بر توانمندسازی زنان منطقه حاشیه‌نشین چابهار چگونه است؟

۲) مبانی نظری

وضعیت موجود کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی

زنان در ایران ۴۹ درصد از جمعیت کل کشور (۷۹ میلیون و ۹۲۶ هزار و ۲۷۰ نفر) یعنی معادل با ۳۹ میلیون و ۴۲۷ هزار و ۸۲۸ نفر را بر اساس سرشماری ۱۳۹۵ تشکیل می‌دهند. در سال ۱۳۹۵، جمعیت در نقاط روستایی برابر با ۲۰ میلیون و ۷۳۰ هزار و ۶۲۵ نفر یعنی معادل با ۲۵/۹ درصد بوده که نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود ۰/۷ درصد کاهش داشته است. بنابراین جمعیت روستانشین ۲۵/۹ درصد و میزان شهرنشینی ۷۴ درصد است که نسبت به سال ۱۳۹۰ نزدیک به ۳ درصد افزایش را نشان می‌دهد. تعداد کل خانوارهای روستایی در کشور برابر با ۶ میلیون و ۷۰ هزار و ۵۴۷ خانوار است. همچنین بررسی وضعیت زنان روستایی براساس آمار سرشماری سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که در نقاط روستایی ۱۰ میلیون و ۵۹۳ هزار و ۳۰۳ نفر را زنان روستایی تشکیل می‌دهند. از منظر وضعیت تأهل، ۶۷/۵ درصد از جمعیت ساکن در نقاط روستایی حداقل یک‌بار ازدواج‌کرده‌اند، اما ۳۲/۵ درصد زنان و مردان مجرد قطعی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

و ۵/۸ درصد مطلقه یا بیوه‌اند. همچنین بیش از دو میلیون و چهارصد هزار نفر از زنان روستایی هرگز ازدواج‌نکرده‌اند و بیش از هشتصد و سی‌ودو هزار نفر زنان مطلقه و بیوه‌ای هستند که در روستاها زندگی می‌کنند. میانگین سنی زنان روستایی در سال ۱۳۹۵ برابر با ۳۰/۵ ساله است که نسبت به سال ۱۳۹۰ افزایش داشته که می‌تواند نمودی از پیری جمعیت زنان روستایی باشد. جمعیت زنان شاغل روستایی یک‌میلیون و دویست هزار نفر و زنان روستایی با اشتغال ناقص نزدیک به شصت هزار نفر است. همچنین، میزان بیکاری زنان روستایی در کل کشور برابر با ۱۰/۳ درصد در برابر مردان روستایی با میزان بیکاری ۸/۵ درصد است (وب‌گاه مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). بنابراین، پدیده پیرشدن جمعیت زنان روستایی از یک‌سو، افزایش تجرد زنان روستایی و میزان بیکاری رو به افزایش در نواحی روستایی همگی می‌توانند مسئله زنان روستایی و اهمیت اشتغال آن‌ها را نشان‌دهند تا راهکاری برای مقابله با پدیده‌ای باشد که امروزه با عنوان زنانه شدن فقر از آن یاد می‌شود و می‌تواند به‌مثابه مسئله اجتماعی، هدف و حوزه اثر کارآفرینی اجتماعی قلمداد شود. همان‌گونه که بیان شد، کارآفرینی اجتماعی می‌تواند در قالب‌ها و ساختارهای متنوعی به حل مسئله اجتماعی بپردازد. در قانون اساسی ماده ۹۵، دولت مکلف به فقرزدایی و توانمندسازی مناطق روستایی و عشایر شده است (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۷). ازجمله تدابیری که باعث توانمندسازی زنان روستایی می‌شود عبارت‌اند از: بر اساس ماده[۱] ۱۱۴ قانون اساسی نیز دولت مکلف به افزایش و توسعه نقش زنان شده است و تعاونی‌های روستایی یکی از قالب‌های سازمانی است که دولت می‌تواند از طریق آن‌ها بر این مهم نائل آید (اساس‌نامه شرکت تعاونی روستایی زنان، ۱۳۸۸).

چالش‌ها و موانع اجتماعی کارآفرینی زنان

بررسی موانع اشتغال و کارآفرینی زنان از دیدگاه‌های مختلف نشان می‌دهد عدم وجود خودباوری، مانع مهمی بر سر راه کارآفرینی زنان می‌باشد. عمدهٔ فعالیت‌های لازم برای پرورش خودباوری باید در سنین خردسالی انجام گیرد. در این رابطه نقش والدین، محیط‌های آموزشی و رسانه‌های گروهی بسیار مهم است. فعالیت زنان در عرصه کارآفرینی در جوامع مدرن، تحولات زیادی در کلیه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره به وجود آورده و به‌عنوان مهم‌ترین ابزار کارآفرینی مدرن موردتوجه قرارگرفته است (روشن نیا و همکاران، ۱۳۹۴). برچسب‌های جنسیتی که بر نوعی نابرابری میان مرد و زن دلالت دارد از خلال تعالیم خانواده، نظام تعلیم و تربیت، باورهای کلیشه‌ای، انتظارات نقشی و مناسبات حاکم بر کار به زنان منتقل می‌شود. به‌این‌ترتیب هویت آن‌ها یعنی اینکه آن‌ها در مقام زن چه ادراکی از خود داشته باشند، خود را چگونه ارزیابی کنند، خود را قادر و خواهان انجام دادن چه

---

[۱] . ماده ۹۵ قانون اساسی: دولت مکلف است به منظور استقرار عدالت و ثبات اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصله دهک‌های درآمدی و توزیع عادلانه درآمد در کشور و نیز کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقرا، از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و یارانه پرداختی، برنامه های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی را با محورهای ذیل تهیه کند و به اجرا بگذارد.

[۲] . ماده ۱۱۱ قانون اساسی: دولت موظف است به تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آن‌ها در کشور بپردازد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

اعمال و رفتاری بدانند شکل می‌گیرد. انگیزه‌ها، علایق و نیروهای درونی و درنهایت ساختار روانی و شخصیتی افراد به‌این‌ترتیب ساخته‌وپرداخته می‌شود. بسیاری از قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی که لازمه امر کارآفرینی است مانند عزم راسخ برای تغییر و نوآوری، قدرت رهبری، تحمل خطر، میل به پیشرفت، تحت تأثیر نابرابری جنسیتی، کمتر در زنان قوام پیدا می‌کند. همین امر از احتمال کارآفرین شدن زنان می‌کاهد (جواهری و قضاتی، ۱۳۸۳). با استفاده از کارآفرینی، به منزلهٔ یک راهکار عملی، می‌توان گامی به‌سوی ایجاد عدالت اجتماعی، مبارزه با فقر و توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برداشت. دولت‌ها، به‌عنوان قدرتمندترین عامل اقتصادی و اجتماعی، باید بتوانند ضمن بسترسازی مناسب و ایجاد فضای لازم برای رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی از توان کل جمعیت فعال اقتصادی، اعم از زن و مرد، بهره جسته و آن توان را اثربخش کنند. ازآنجاکه فرایند توسعه کارآفرینی تحت تأثیر عوامل زمینه‌ای و ساختاری متعددی واقع می‌شود که در این میان انگیزه‌های کارآفرینی می‌توانند اثر تقویت‌کننده یا تضعیف کنندهٔ بسیاری بر فرایند کارآفرینی داشته باشد شناخت این نیازها و انگیزه‌ها با توجه به تفاوت‌های جنسیتی می‌تواند مراتب تسهیل توسعه کارآفرینی زنان را فراهم کند (آراستی و همکاران، ۱۳۹۲). باوجودآنکه اقدامات فرهنگی جهت پالایش نابرابری و تبعیض جنسیتی ضروری است اما نباید زنان منفعلانه در انتظار تغییرات باشند بلکه باید در جهت دگرگونی شرایط موجود بکوشند. فرایند کارآفرینی با شکل‌گیری یک اندیشه آغاز می‌شود و با انتخاب راهکارهای مناسب، تأمین منابع، غلبه بر موانع به اجرا درمی‌آید. برای آنکه زنان بتوانند این فرایند را با موفقیت پشت سر بگذارند، نیازمند تقویت مهارت‌های ادراکی، ارتباطی و تخصصی خود هستند. پذیرش واقع‌بینانه تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد، پرهیز از مقایسه‌های بی‌مورد که موجب کاهش عزت‌نفس می‌شود، اعتماد به استعدادها و توانایی‌های خود، هدفمندی و انتخاب برنامه‌های منطقی، رشد تفکر عقلانی، تلفیق میان عقل و احساس، حساسیت نسبت به تحولات زمان و همچنین مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی به‌خصوص سازمان‌های صنفی غیردولتی درمجموع مهارت‌های کارآفرینی زنان را افزایش می‌دهد (روشن نیا و همکاران، ۱۳۹۴).

مدل لین بنت[1]: الگویی برای تلفیق توانمندسازی و ادغام اجتماعی

بنت (۲۰۰۲)، نظریه نسبتاً فراگیری در باب تغییر اجتماعی باهدف فقرزدایی پایدار ارائه نموده است. نقطه قوت این نظریه تلاشی است که در آن تلفیق فرآیندهای اصطلاحاً از پایین به بالا (توانمندسازی) و از بالا به پایین (ادغام اجتماعی) در الگوپردازی پیرامون توسعه پایدار اجتماعی صورت گرفته است. این نظریه به طورخاص بر فرآیندهای به هم پیوسته‌ای تمرکز دارد که در قالب آن‌ها توانمندسازی و ادغام اجتماعی به طور توأمان به‌عنوان ابزارهایی جهت تغییر روابط قدرت موجود در جامعه و نیز ایجاد تغییرات لازم در سازمان‌های مقدم آن‌ها عمل می‌کنند به‌نحوی‌که نتیجه حاصل دستیابی به برابری بیشتر در جامعه باشد. مدل لین بنت، در شکل ۱، نشان داده‌شده است.

[1]. Lynn Bennett

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

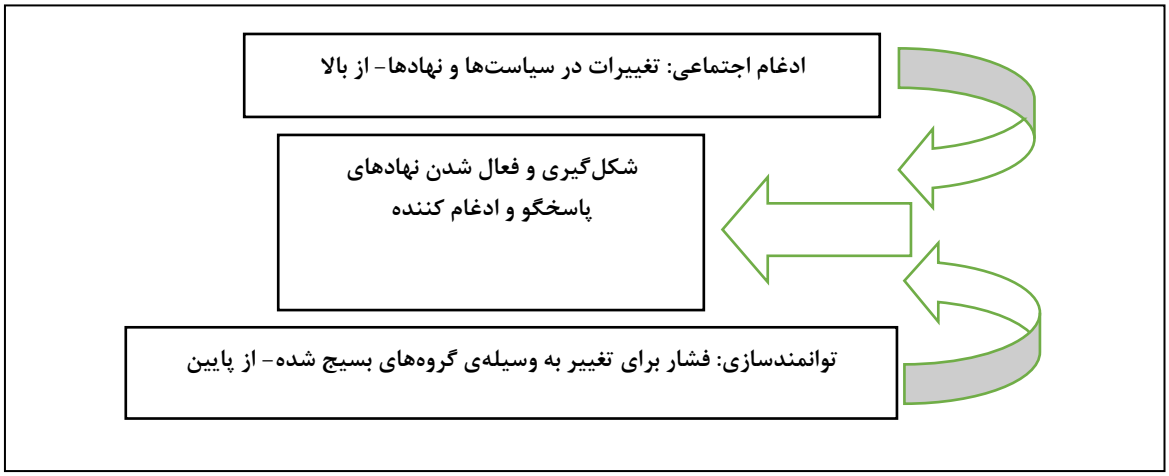

شکل۱. نقش‌های مکمل توانمندسازی و ادغام اجتماعی در تغییر قواعد بازی برای فقرا (بنت، ۲۰۰۲)

نظریه توانمندسازی سارا لانگه[1]

یکی از مدل‌های نسبتاً مطرح درزمینهٔ توانمندسازی زنان، مدل سارا لانگه (۱۹۹۱) است. لانگه ضمن تأکید بر این ایده که برابری (جنسیتی) می‌بایست موضوع کانونی هرگونه برنامه‌ی توسعه‌ای پیرامون مسائل زنان باشد، به‌بخش زیادی از ادبیات نظری موجود در حوزه توسعه این نقد را وارد می‌سازد که اغلب آن‌ها برابری را با توجه به تقسیم‌بندی‌های رایج از بخش‌های مختلف اقتصاد و جامعه همچون تحصیلات، استخدام، موازین قانونی و مانند این‌ها تعریف می‌کنند. به عقیده‌ی لانگه این شیوه تحلیلی با تمرکز بیش‌ازحد بر شاخص‌های مختلفی که بعضاً معرف جنبه‌های محدودی از کل حیات اجتماعی هستند، نگاه‌ها را از نقش مهم برابری بیشتر زنان و مردان در پیشبرد فرآیند توسعه بازمی‌دارد. بر این اساس وی مدل مفهومی پنج سطحی را ارائه می‌نماید که می‌تواند مبنایی برای سنجش سطح توسعه‌یافتگی زنان در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی و اقتصادی باشد. پنج سطح موردنظر لانگه عبارت‌اند از: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل. کلیات این نظریه در شکل۲، نشان داده‌شده است.

[1]. Longwe

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

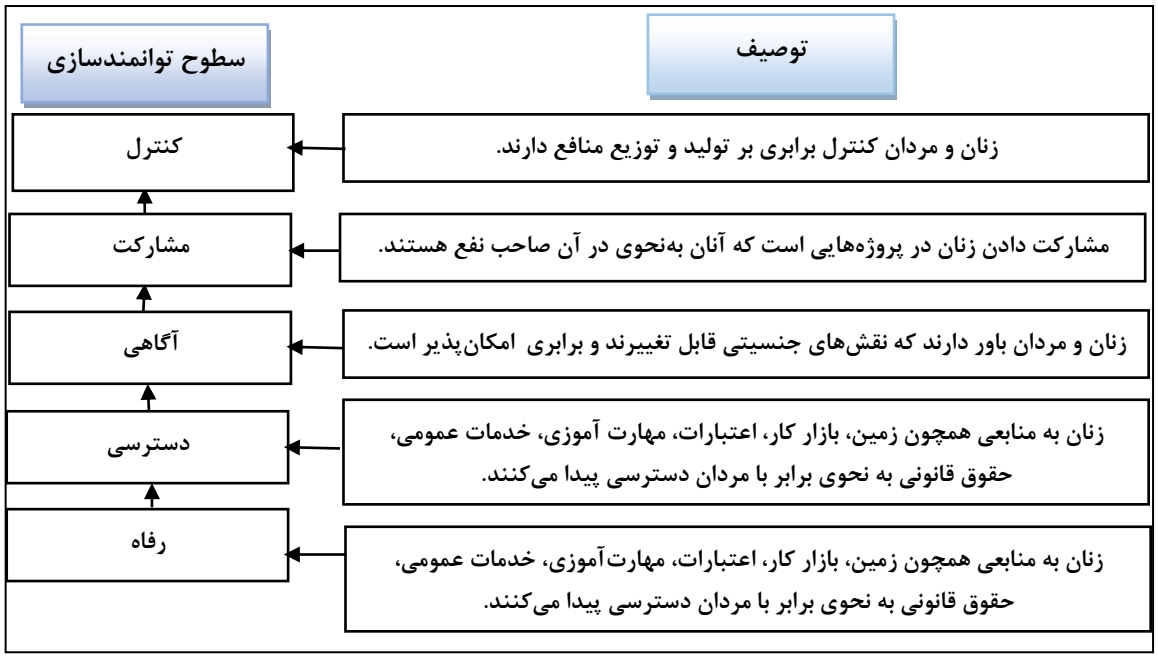

شکل۲. چارچوب توانمندسازی زنان (سارا لانگه، ۱۹۹۱)

در مورد توانمندسازی زنان روستایی پژوهش‌های متعددی انجام‌شده است که در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

نتایج حاصل از پژوهشی، حاکی از آن است که برای توانمندسازی زنان باید به منابع توانمندسازی ازجمله آموزش‌وپرورش، درآمد نسبت به شریک و تنظیم‌کننده‌های توانمندسازی ازجمله: سن، تراکم جمعیت، منطقه محل اقامت، آموزش‌وپرورش جامعه و ثروت جامعه توجه کرد (Habibov et al, 2017). پژوهشی، نشان داد که توانمندسازی زنان، به‌طور مثبت بادانش و عقاید سیاسی زنان روستایی ارتباط مثبتی دارد (Bleck & Michelitch, 2018). نتایج حاصل از پژوهشی نشان داد که توانمندسازی اقتصادی زنان، به افزایش ظرفیت آن‌ها برای اداره بهتر خانه، دسترسی بیشتر به منابع و قدرت بالای تصمیم‌گیری کمک می‌کند (Mello & Schmink, 2018). نتایج حاصل از پژوهشی، نشان داد که ترکیبی از شرایط خوب ریسک در کشور و حضور کم زنان در موقعیت‌های قدرت باعث افزایش کارآفرینی در زنان می‌شود (Ribes-Giner et al, 2018). پژوهشی به بررسی افزایش زنان سرپرست خانوار در آمریکای لاتین و ارتباط آن با تغییر شرایط زندگی پرداخت. نتایج نشان داد که سیاست‌گذاران باید شرایط و فرصت‌هایی را برای حمایت زنان در نظر بگیرند (Chia et al, 2017). پژوهشی به بررسی اینکه آیا عوامل انسانی (آموزش و توانایی) و یا عوامل زمینه‌ای (مسائل اقتصادی و سیاسی) باعث تفاوت بین کارآفرینان زن و مرد می‌شود، می‌پردازد. نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که مشارکت اقتصادی زنان و سرمایه انسانی هر دو نقش تعیین‌کننده در راه‌اندازی کارآفرینی زنان دارند (Candida et al, 2017). نتایج پژوهشی نشان داد که عوامل فردی و نگرش اجتماعی عوامل مهم در ارائه‌ی کارآفرینی زنان می‌باشند (Marian et al, 2017). محمود و همکاران (۲۰۱۱)، در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که تحصیلات، اعتمادبه‌نفس و آزادی ازجمله عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان در روستاهای بنگلادش می‌باشد. علی و دیگران (۲۰۱۰)، در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

پژوهشی، به این نتیجه رسیدند که موانع اصلی فرهنگی پیش‌روی توانمندی زنان در جامعه موردمطالعه به‌قرار زیر است:

محدودیت دختران در زمینه‌های مختلف به‌ویژه تحصیل؛ وجود نگرش‌های فرهنگی مردسالارانه؛ عدم برخورداری زنان و دختران از آزادی‌های لازم جهت آمدوشد؛ باورهای اثرگذار در اذهان مردان و نیز زنان مبنی بر ماهیت مردانه فرآیند تصمیم‌گیری؛ الگوهای سنتی تقسیم‌کار.

نتایج پژوهش موحدی و همکاران (۱۳۹۸)، نشان داد که عوامل اثرگذار بر کارآمدی پروژه‌های توانمندسازی زنان روستایی به‌ترتیب، توانمندی فرهنگی- اجتماعی، توانمندی خانوادگی و توانمندی سیاست‌گذاری- مدیریتی می‌باشد. نتیجه پژوهشی در مورد اثرات تأمین مالی خرد بر ابعاد توانمندسازی زنان روستایی در استان‌های کرمانشاه و همدان نشان داد که میزان اثرگذاری در حد متوسط بوده و بیشترین اثر بر ابعاد توانائی تصمیم‌گیری و اعتمادبه‌نفس زنان روستایی است و سپس ابعاد توانمندی سیاسی، موقعیت در جامعه، توانمندی اقتصادی و موقعیت درون خانواده در رتبه‌های بعدی اثرپذیری قرار دارند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۷). ترابی مؤمن و همکاران در پژوهشی، به این نتیجه رسیدند که برگزاری جلسات مددکاری اجتماعی گروهی با زنان سرپرست خانوار با رویکرد توسعه بر توانمندسازی روانی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار مؤثر است (ترابی مؤمن و همکاران، ۱۳۹۶). نتایج پژوهش عنابستانی و همکاران (۱۳۹۶)، نشان داد که متغیر توانمندسازی زنان روستایی با متغیر مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه دارای رابطه‌ای مستقیم و با شدتی قوی بوده است بدین معنا که هرچه نقش مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه افزایش یابد، توانمندسازی زنان کارآفرین نیز بیشتر خواهد بود. توفیقیان‌فر و همکاران(۱۳۹۶) در پژوهشی، به این نتیجه رسیدند که متغیر خدمات آموزشی، فنی و مشاوره‌ای و متغیر حمایتی بیشترین تأثیر را بر توانمندسازی زنان داشته‌اند. نتایج پژوهش بریمانی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی مؤثر بوده است. گروهی از زنانی که وام گرفته بودند نسبت به گروهی که وام دریافت نکرده بودند ازلحاظ اقتصادی توانمندتر شده و ازنظر روانی (اعتمادبه‌نفس) نیز در وضعیت بهتری قرار داشتند.

با بررسی پیشینه‌های مرتبط با موضوع پژوهش و باتوجه به شاخص‌های استخراج‌شده که در ادامه پژوهش به تفکیک مشخص‌شده است دو بعد فردی و محیطی و چهار مؤلفه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، ویژگی‌های روان‌شناختی، عوامل حمایتی و عوامل فرهنگی شناسایی شد. با توجه به اینکه توانمندشدن زنان روستایی به‌منزله توانمندی اقتصادی و اجتماعی آن منطقه است و یکی از اهداف کارآفرینی اجتماعی، خلق و نگه‌داری ارزش‌های اجتماعی است، بنابراین توانمندسازی زنان روستایی هم یکی از این ارزش‌هاست. باتوجه به هدف پژوهش که ارائه الگوی کارآفرینی اجتماعی در راستای توانمندسازی زنان روستایی است، مدل مفهومی پژوهش حاضر به شکل زیر است:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

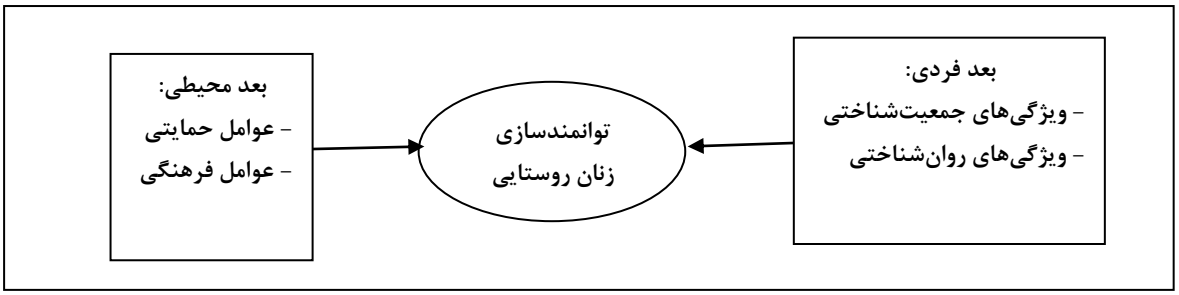

شکل ۳. مدل مفهومی تحقیق

۳) روش تحقیق

این تحقیق ازنظر هدف، کاربردی و به‌لحاظ نوع داده‌ها از نوع تحقیقات آمیخته است که دربخش کیفی از روش فراترکیب استفاده‌شده است؛ فراترکیب[1]مشابه فراتحلیل[2] برای یکپارچه‌سازی چندین مطالعه برای ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری صورت می‌گیرد. در مقایسه با رویکرد فراتحلیلی کمی که بر داده‌های کمی ادبیات موضوع و رویکردهای آماری تکیه دارد، فراترکیب متمرکز بر مطالعات کیفی است. در این پژوهش از روش هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو[3] ۲۰۰۷ استفاده‌شده است که این مراحل در قسمت یافته‌های تحقیق به تفکیک بیان‌شده است. درروش فراترکیب بعد از استخراج کدهای توانمندسازی زنان، پایایی کدها با محاسبه شاخص کاپا تأیید شد. دربخش کمی از روش تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل سلسله مراتبی استفاده شد. ابزار گردآوری اطلاعات دربخش کیفی، مطالعات کتابخانه‌ای و دربخش کمی، دو پرسشنامه محقق ساخته است. برای تجزیه و تجزیه اطلاعات نرم‌افزارهای به‌کاررفته دربخش کمی، برای پرسشنامه اول نرم‌افزار SMART PLS نسخه دو و برای پرسشنامه دوم نرم‌افزار Expert choice بوده است. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان بلوچ حاشیه‌نشین چابهار در محله‌های رمین، عثمان‌آباد، کمب، قدس، مرادآباد و تیس تشکیل دادند که با روش نمونه‌گیری سهمی، ۲۶۶ پرسشنامه شماره ۱، توزیع و دریافت شد و برای پرسشنامه شماره ۲، ۱۰ نفر از زنان موفق و دارای سابقه کار بالای ۵ سال، در منطقه حاشیه‌نشین چابهار به‌عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شدند. پرسشنامه اول حاوی ۲۱ سؤال مربوط به متغیرهای موردسنجش پژوهش است که از میان آن‌ها ۷ سؤال مرتبط با بعد فردی و ۱۴سؤال مرتبط با بعد محیطی است. پرسشنامه دوم پژوهش محقق ساخته و حاوی ۶۷ سؤال است. به‌منظور ارزیابی روایی پرسش‌نامه ۱، ازنظر اساتید و خبرگان و معیار روایی همگرا (AVE)[4]و برای ارزیابی پایایی پرسش‌نامه۱، از ضریب آلفای کرونباخ و شاخص پایایی ترکیبی (CR)[5]استفاده‌شده است. طبق نظر فورنل و لارکر (۱۹۸۱) مقدار AVE برابر و بیشتر از ۰/۵ نشان‌دهنده روایی همگرا قابل‌قبول است. از طرفی، مگنر و همکاران (۱۹۹۶) مقدار ۰/۴ را برای مقادیر اشتراکی کافی دانستند

1. Meta- Synthesis
2. Meta-Analysis
3. Sandelowski and Barroso
4. Average Variance Extracted
5. Composite Reliability

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

(داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). هم‌چنین برای تأیید پایایی پرسش‌نامه شماره ۱ مقدار ضریب آلفای کرونباخ و مقدار شاخص پایایی ترکیبی باید بیشتر از ۰/۷ باشد. در جدول ۱، نتایج ضریب آلفای کرونباخ، مقدار شاخص پایایی ترکیبی و روایی همگرا آورده شده است، با توجه به این نتایج می‌توان بیان داشت پایایی و روایی سازه‌های پرسشنامه ۱، مطلوب است. برای تأیید روایی و پایایی پرسشنامه شماره ۲، از نرخ ناسازگاری استفاده‌شده است. زمانی که نرخ ناسازگاری کمتر از ۰/۱ باشد، پرسشنامه از روایی و پایایی برخوردار است، که در پژوهش حاضر نرخ ناسازگاری پرسشنامه دوم، ۰/۰۱ بود، بنابراین پرسشنامه پذیرفته می‌شود.

جدول ۱. مقدار ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی و روایی همگرا سازه‌های تحقیق

متغیر مکنون	ضریب آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی (CR>0/7)	روایی همگرا (AVE>0/5)
ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	۰/۷۶۴	۰/۷۷۶	۰/۵۵۷
ویژگی‌های روان‌شناختی	۰/۷۲۳	۰/۸۰۲	۰/۵۴۲
عوامل حمایتی	۰/۸۷۵	۰/۹۷۱	۰/۶۳۱
عوامل فرهنگی	۰/۸۱۶	۰/۷۴۱	۰/۷۳۹

محدوده موردمطالعه در این پژوهش، زنان ساکن در مناطق حاشیه‌نشین چابهار یعنی محله‌های رمین، عثمان‌آباد، کمب، قدس، مرادآباد و تیس موردبررسی قرار گرفته است. در این مناطق حاشیه‌نشین، بیشتر افراد یا از روستا مهاجرت کرده‌اند یا افراد فقیر شهری بودند و در این محله‌ها ساکن شدند. نقشه محدوده موردمطالعه در شکل زیر ترسیم‌شده است.

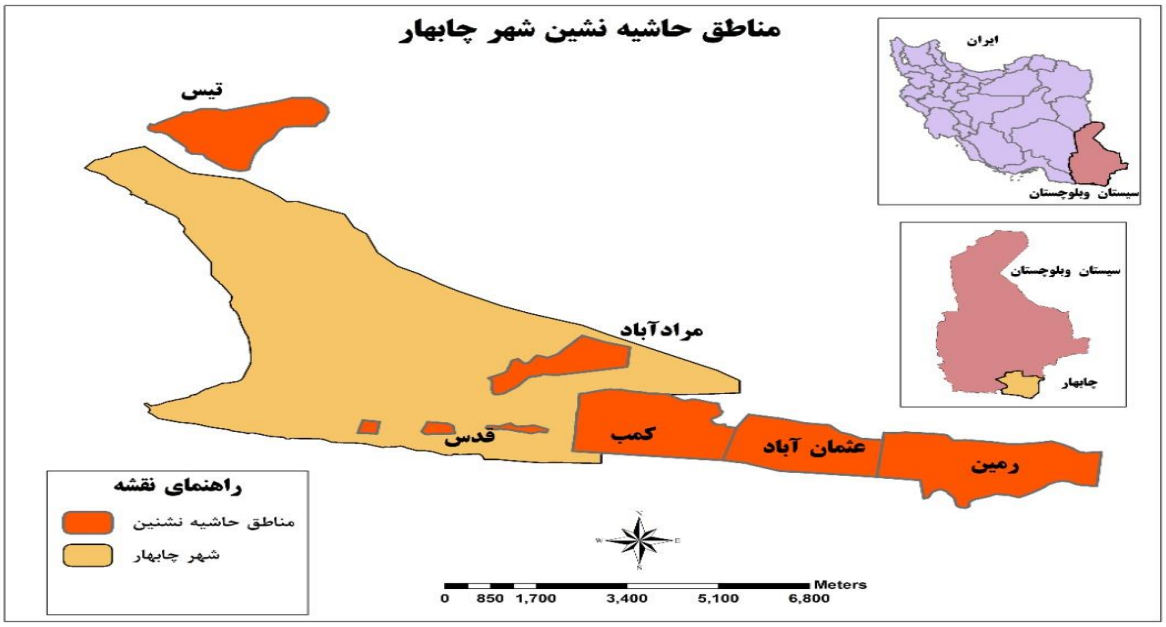

شکل ۴. محدوده موردمطالعه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

۴) یافته‌های تحقیق

یافته‌های آمار توصیفی

از میان ۲۶۶ نفر پاسخ‌دهنده به پرسشنامه شماره ۱، ازنظر سن پاسخ‌دهندگان، بیشترین افراد در بازه سنی ۲۰-۳۵ سال معادل ۷۱/۴٪ و کمترین افراد در بازه سنی بیش از ۵۰ سال، معادل ۲/۳٪ می‌باشند. بیش‌ترین درصد حجم نمونه مربوط به خبرگان در رده سنی ۲۰-۳۵ سال معادل ۷۰٪ می‌باشند. ازنظر تحصیلات نیز درصد بالایی از پاسخ‌گویان (معادل ۵۹/۵٪) بی‌سواد می‌باشند و در بین خبرگان درصد بالایی از پاسخ‌گویان دارای مدرک کارشناسی معادل ۸۰٪ می‌باشند.

یافته‌های کیفی تحقیق

یافته‌های حاصل از روش کیفی فراترکیب در جدول زیر نشان داده‌شده است:

جدول۲. مراحل فراترکیب

مراحل	یافته‌ها
گام اول: تنظیم سؤال پژوهش	سؤالات این گام در مقدمه پژوهش حاضر بیان‌شده است.
گام دوم: بررسی نظام‌مند متون	در این پژوهش محقق پایگاه‌های داده و ژورنال‌های مختلفی را بررسی نموده است. درنتیجه جستجو با استفاده از واژه کلیدی توانمندسازی زنان، ۵۰۰ مقاله یافت شد.
گام سوم: جستجو و انتخاب مقالات مناسب	غربال کردن مقالات با استفاده از پارامترهای مختلف ازجمله: مرتبط بودن با عنوان پژوهش، مرتبط بودن چکیده با موضوع پژوهش، مرتبط بودن محتوا با موضوع پژوهش بررسی شدند و درنهایت ۵۳ مقاله برای استخراج شاخص‌های مؤثر، نهایی شد.
گام چهارم: استخراج نتایج	مقاله‌ها بر اساس مرجع مربوط به هر مقاله شامل نام و نام خانوادگی نویسنده، به همراه سال انتشار مقاله طبقه‌بندی شد. در این مرحله با توجه به هدف تحقیق، کدهایی که در تعداد معدودی از پژوهش‌ها بود در فرایند تحقیق به‌کاربرده نشدند و همچنین بنا به قرابت معنایی و صرف تفاوت لفظی بین برخی از کدها، کدها ادغام و با عنوان مشترک آورده شده‌اند. پژوهشگر ۱۶۹ کد را شناسایی و در اختیار خبرگان قرار داده است که درنهایت پس از دریافت نظرات آن‌ها در جدول۳ نشان داده‌شده است.
گام پنجم: تجزیه‌وتحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی	پژوهشگر ابتدا تمام عوامل استخراج‌شده از مطالعات را کد در نظر می‌گیرد و سپس با در نظر گرفتن مفهوم هر یک از این کدها، آن‌ها را در یک مفهوم مشابه دسته‌بندی می‌کند. به‌این‌ترتیب مفاهیم (تم‌های) پژوهش شکل داده می‌شود (جدول ۳).
گام ششم: کنترل کیفیت	زمانی که دو رتبه‌دهنده، پاسخگویان را رتبه‌بندی می‌کنند، برای ارزیابی میزان توافق بین این دو رتبه‌دهنده از شاخص کاپای کوهن استفاده می‌شود. با استفاده از نرم‌افزار SPSSعدد معناداری ۰/۰۰۰ و مقدار شاخص ۰/۷۰۶ محاسبه شد، باتوجه به کوچک بودن عدد معناداری از ۰/۰۵ فرض استقلال کدهای استخراجی رد می‌شود. پس می‌توان ادعا کرد که استخراج کدها پایایی مناسبی داشته است.
گام هفتم: ارائه نتایج	۵۳ مقاله انتخاب‌شده از سوی پژوهشگران موردبررسی قرار گرفتند و اطلاعات موردنیاز بر اساس هدف این پژوهش شناسایی شد. ترکیب یافته‌ها پس از اعمال‌نظر خبرگان در ۲ بعد و ۷ مؤلفه و ۲۱ شاخص ارائه شد (شکل ۵).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

جدول۳. مقوله‌بندی متون موردپژوهش

ابعاد	مؤلفه	کد	منابع کدها
فردی	ویژگی‌های جمعیت شناختی	میزان تحصیلات	(مارین و همکاران، ۲۰۱۶)؛ (محمود و همکاران، ۲۰۱۱)؛ (علی و دیگران، ۲۰۱۰).
		سن زنان	(حبیبوف و همکاران، ۲۰۱۷)؛ (مارین و همکاران، ۲۰۱۶).
		داشتن تجربه کاری	(مارین و همکاران، ۲۰۱۶)؛ (گلرد، ۱۳۸۴).
		برخورداری از مهارت کافی	(مارین و همکاران، ۲۰۱۶)؛ (گلرد، ۱۳۸۴).
	ویژگی‌های روان‌شناختی	اعتمادبه‌نفس	(مارین و همکاران، ۲۰۱۶)؛ (محمود و همکاران، ۲۰۱۱).
		انگیزه‌های ایجاد اشتغال	(ربیس جینر و همکاران، ۲۰۱۸)؛ (مارین و همکاران، ۲۰۱۶).
		میزان تعلق و دلبستگی زنان به خانواده وخویشاوندان	(مارین و همکاران، ۲۰۱۶)؛ (گلرد، ۱۳۸۴).
محیطی	عوامل حمایتی	سیاست‌های حمایتی دولت	(چیا و همکاران، ۲۰۱۷).
		برنامه‌های آموزشی آگاه‌سازی (فردی و شغلی) و کارآفرینی	(حبیبوف و همکاران، ۲۰۱۷)؛ (توفقیان‌فر و همکاران، ۱۳۹۵).
		خدمات مشاوره شغلی به زنان	(کاندیدا و همکاران، ۲۰۱۷)؛ (اربانو و همکاران، ۲۰۱۰)؛ (ترابی مؤمن و همکاران، ۱۳۹۶).
		دسترسی به منابع مالی	(میلو و شیمینک، ۲۰۱۸)؛ (کاندیدا و همکاران، ۲۰۱۷).
		شکل‌گیری تعاونی زنان روستایی	(اربانو و همکاران، ۲۰۱۰)؛ (توفیقیان فر و همکاران، ۱۳۹۵).
		بهره‌مندی از خدمات بیمه ای	(اربانو و همکاران، ۲۰۱۰)؛ (آراستی و ملکی کرم‌آباد، ۱۳۹۳).
		ارائه تسهیلات اشتغال به زنان خانوار	(اربانو و همکاران، ۲۰۱۰)؛ (آراستی و ملکی کرم‌آباد، ۱۳۹۳).
		فراهم نمودن فرصت‌های شغلی	(اربانو و همکاران، ۲۰۱۰)؛ (توفیقیان فر و همکاران، ۱۳۹۵).
		ترغیب و جلب همکاری مستمر ذینفعان در فرآیند توانمندسازی زنان	(کاندیدا و همکاران، ۲۰۱۷)؛ (آراستی و ملکی کرم‌آباد، ۱۳۹۳).
		میزان حمایت اجتماعی از زنان سرپرست خانوار و کیفیت زندگی	(کاندیدا و همکاران، ۲۰۱۷)؛ (توفیقیان فر و همکاران، ۱۳۹۵).
	عوامل فرهنگی	رفع تبعیض از بازار کار	(مارین و همکاران، ۲۰۱۶)؛ (موحدی و همکاران، ۱۳۹۸).
		عدم وجود نگرش‌های فرهنگی مردسالارانه	(مارین و همکاران، ۲۰۱۶)؛ (علی و دیگران، ۲۰۱۰).
		برخورداری زنان و دختران از آزادی‌های لازم برای کارآفرینی	(علی و دیگران، ۲۰۱۰)؛ (موحدی و همکاران، ۱۳۹۸).
		حذف باورهای سنتی	(بلک و میشلیچ، ۲۰۱۸)؛ (مارین و همکاران، ۲۰۱۶)؛ (علی و دیگران، ۲۰۱۰).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

الگوی نهایی حاصل از روش فراترکیب در شکل زیر نشان داده‌شده است:

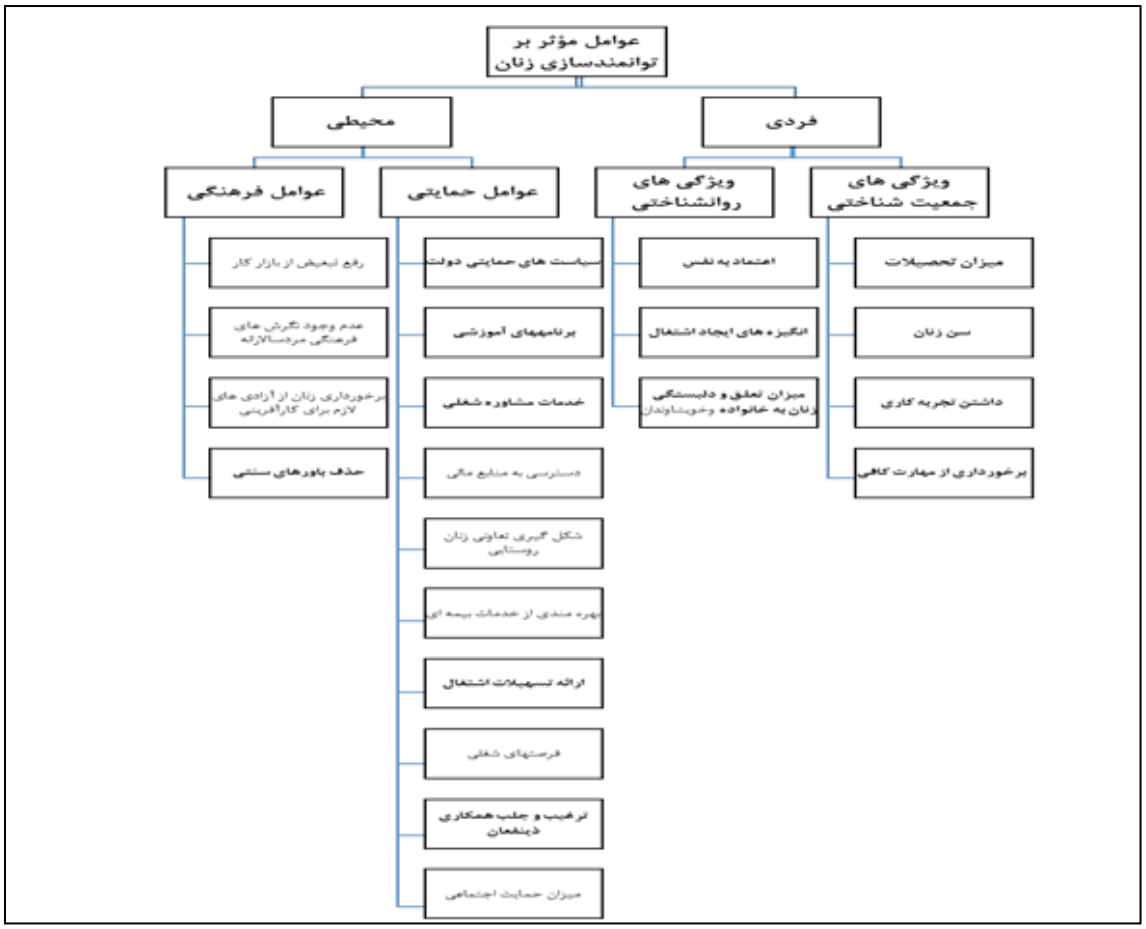

شکل ۵. الگو استنتاج شده از یافته‌های کیفی

یافته‌های استنباطی تحقیق

بررسی مطلوبیت ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها[1]

تحلیل عاملی، روش آماری برای بررسی روابط بین متغیرهای مکنون و مشاهده‌شده، برای تأیید مقوله‌های اصلی، فرعی و شاخص‌های مؤثر بر توانمندسازی زنان است.

جدول۵. تحلیل عاملی تأییدی شاخص‌های مورد مطالعه

ابعاد	مؤلفه	شاخص	ضریب استاندارد	عدد معناداری
فردی	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	میزان تحصیلات	۰/۷۱۴	۶/۴۸۲
		سن زنان	۰/۷۳۳	۶/۶۹۴
		داشتن تجربه کاری	۰/۸۰۷	۱۷/۶۵۴
		برخورداری از مهارت کافی	۰/۴۲۳	۱/۶۷۲
		اعتمادبه‌نفس	۰/۹۱۷	۶۳/۱۱۶

[1]. خروجی نرم افزار SMART PLS در پیوست مقاله آورده شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

	ویژگی‌های روان‌شناختی	انگیزه‌های ایجاد اشتغال	۰/۹۱۷	۳۸/۶۶۸
		میزان تعلق و دلبستگی زنان به خانواده وخویشاوندان	۰/۵۴۹	۴/۳۷۸
محیطی	عوامل حمایتی	سیاست‌های حمایتی دولت	۰/۶۸۵	۸/۴۴۷
		برنامه‌های آموزشی آگاه‌سازی (فردی و شغلی) و کارآفرینی	۰/۷۷۳	۱۴/۰۷۱
		خدمات مشاوره شغلی به زنان	۰/۷۹۵	۱۸/۷۰۶
		دسترسی به منابع مالی	۰/۷۰۳	۱۲/۸۹۱
		شکل‌گیری تعاونی زنان روستایی	۰/۸۳۴	۲۰/۴۲۷
		بهره‌مندی از خدمات بیمه‌ای	۰/۸۰۶	۱۷/۳۲۰
		ارائه تسهیلات اشتغال به زنان خانوار	۰/۸۱۱	۲۰/۳۱۱
		فراهم نمودن فرصت‌های شغلی	۰/۸۱۵	۲۳/۵۵۶
		ترغیب و جلب همکاری مستمر ذینفعان در فرآیند توانمندسازی زنان	۰/۸۶۶	۱۹/۲۵۰
		میزان حمایت اجتماعی از زنان سرپرست خانوار و کیفیت زندگی	۰/۷۵۵	۱۷/۹۳۲
	عوامل فرهنگی	رفع تبعیض از بازار کار	۰/۸۳۷	۲۵/۱۸۲
		عدم وجود نگرش‌های فرهنگی مردسالارانه	۰/۸۷۷	۳۶/۹۸۷
		برخورداری زنان و دختران از آزادی‌های لازم برای کارآفرینی	۰/۸۳۱	۲۱/۰۹۱
		حذف باورهای سنتی	۰/۷۰۱	۱۰/۲۴۰

با توجه به اینکه مطلوبیت شاخص‌ها در سطح اطمینان ۹۹٪ انجام‌شده‌اند، اعدادی معنادار خواهند بود که مقدار عدد معناداری آن بیشتر از ۲/۵۸ باشد. همان‌گونه که در جدول۵، دیده می‌شود، شاخص‌های در نظر گرفته‌شده برای تمامی مؤلفه‌های الگوی کارآفرینی اجتماعی در راستای توانمندسازی زنان، از اثر تبیین‌کنندگی معناداری برخوردار بوده‌اند.

رتبه‌بندی ابعاد مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش

نتایج پرسشنامه شماره ۲ پژوهش، در مورد وزن ابعاد و مؤلفه‌های پژوهش حاضر، در قالب نمودارهایی ارائه‌شده است. با توجه به شکل ۶ بعد محیطی با وزن ۰/۶۷۷ در اولویت نخست و بعد فردی با وزن ۰/۳۲۳ در اولویت دوم قرار دارد.

شکل ۶. نمودار وزن ابعاد توانمندسازی زنان مناطق حاشیه‌نشین چابهار

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

شکل ۷، وزن مؤلفه‌های توانمندسازی زنان مناطق حاشیه‌نشین چابهار را نشان می‌دهد، همان‌گونه که در نمودار دیده می‌شود از میان ۴ مؤلفه توانمندسازی زنان مناطق حاشیه‌نشین چابهار، مؤلفه عوامل حمایتی به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه شناخته‌شده است و پس‌ازآن به ترتیب مؤلفه‌های ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، ویژگی‌های روان‌شناختی و عوامل فرهنگی در اولویت‌های بعدی قرارگرفته‌اند.

جدول ۶. اولویت‌بندی مؤلفه‌های توانمندسازی زنان مناطق حاشیه‌نشین چابهار

اولویت	مؤلفه‌ها	وزن
۱	عوامل حمایتی	۰/۳۲۵
۲	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	۰/۲۸۱
۳	ویژگی‌های روان‌شناختی	۰/۲۱۷
۴	عوامل فرهنگی	۰/۱۷۷

شکل ۷. نمودار وزن مؤلفه‌های توانمندسازی زنان مناطق حاشیه‌نشین چابهار

نتایج حاصل از انتخاب گزینه نهایی

وزن نهایی به‌دست‌آمده برای شاخص‌های هرکدام از ابعاد و مؤلفه‌های توانمندسازی زنان مناطق حاشیه‌نشین چابهار در جدول۷ ارائه‌شده است.

جدول ۷. اولویت‌بندی وزن نهایی شاخص‌های توانمندسازی زنان مناطق حاشیه‌نشین چابهار (یافته‌های محقق)

ابعاد	مؤلفه	شاخص	وزن	رتبه در مفاهیم	رتبه در کل
فردی	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	میزان تحصیلات	۰/۳۸۷	۱	۳
		سن زنان	۰/۱۷۳	۴	۱۱
		داشتن تجربه کاری	۰/۱۹۹	۳	۸
		برخورداری از مهارت کافی	۰/۲۴۰	۲	۷
	ویژگی‌های روان‌شناختی	اعتمادبه‌نفس	۰/۴۵۷	۱	۱
		انگیزه‌های ایجاد اشتغال	۰/۴۲۳	۲	۲
		میزان تعلق و دلبستگی زنان به خانواده وخویشاوندان	۰/۱۱۹	۳	۱۴
		سیاست‌های حمایتی دولت	۰/۲۷۳	۱	۵
		برنامه‌های آموزشی آگاه‌سازی (فردی و شغلی) وکارآفرینی	۰/۱۴۱	۲	۱۲

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

محیطی	عوامل حمایتی	خدمات مشاوره شغلی به زنان	۰/۰۹۹	۴	۱۵
		دسترسی به منابع مالی	۰/۱۳۰	۳	۱۳
		شکل‌گیری تعاونی زنان روستایی	۰/۰۶۳	۷	۱۸
		بهره‌مندی از خدمات بیمه‌ای	۰/۰۶۰	۸	۱۹
		ارائه تسهیلات اشتغال به زنان خانوار	۰/۰۷۳	۶	۱۷
		فراهم نمودن فرصت‌های شغلی	۰/۰۸۹	۵	۱۶
		ترغیب و جلب همکاری مستمر ذینفعان در فرآیند توانمندسازی زنان	۰/۰۴۳	۹	۲۰
		میزان حمایت اجتماعی از زنان سرپرست خانوار و کیفیت زندگی	۰/۰۳۰	۱۰	۲۱
	عوامل فرهنگی	رفع تبعیض از بازار کار	۰/۳۴۰	۱	۴
		عدم وجود نگرش‌های فرهنگی مردسالارانه	۰/۱۹۷	۳	۹
		برخورداری زنان و دختران از آزادی‌های لازم برای کارآفرینی	۰/۲۷۱	۲	۶
		حذف باورهای سنتی	۰/۱۹۳	۴	۱۰

محاسبه وزن نهایی و اولویت‌بندی شاخص‌های مؤثر بر توانمندسازی زنان مناطق حاشیه‌نشین چابهار بر اساس روش AHP نشان می‌دهد در میان شاخص‌های شناسایی‌شده، اعتمادبه‌نفس زنان با وزن نهایی ۰/۴۵۷ به‌عنوان مهم‌ترین شاخص مؤثر بر توانمندسازی زنان شناسایی‌شده است و شاخص‌های انگیزه‌های ایجاد اشتغال و میزان تحصیلات به‌ترتیب با وزن نهایی ۰/۴۲۳ و ۰/۳۸۷ در جایگاه دوم و سوم قرارگرفته‌اند. وجود میزان حمایت اجتماعی از زنان سرپرست خانوار و کیفیت زندگی با وزن نهایی ۰/۰۳۰ به‌عنوان کم اثرترین شاخص در میان شاخص‌ها، شناسایی‌شده است.

۵) نتیجه‌گیری

از جدیدترین موضوعاتی که در عرصه‌ی کارآفرینی، در کنار کارآفرینی سازمانی و اقتصادی در محافل علمی به آن توجه شده، کارآفرینی اجتماعی است. این مقوله درصورتی‌که در جامعه نهادینه شود، می‌تواند نقش مهمی در رفع مشکلات اجتماعی ایفا کند. فعالیت‌های کارآفرینانه‌ی اجتماعی به اقدام-هایی گفته می‌شود که ضمن برخورداری از ویژگی‌های عمومی کارآفرینی یعنی داشتن ماهیت نوآورانه و خلاقانه کسب‌وکار، جهت‌گیری اصلی آن‌ها به‌جای سود فردی یا گروهی به‌سوی اهداف اجتماعی نظیر همبستگی جمعی، مقابله با محرومیت، یأس و درماندگی باشد. یکی از موارد مقابله با محرومیت، توانمندسازی زنان می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت فعالیت‌های خلاقانه‌ای که باعث توانمندسازی زنان شود، در حیطه کارآفرینی اجتماعی قرار می‌گیرد. به همین علت، جهت ارائه الگوی اثربخشی کارآفرینی اجتماعی در راستای توانمندسازی زنان جامعه محلی از شاخص‌هایی که باعث توانمندسازی زنان می‌شود، استفاده گردید. با روش فراترکیب، ۲۱شاخص، ۴مؤلفه و ۲بعد شناسایی شد و در ادامه نتایج حاصل از این روش و نتایج تحلیل استنباطی توضیح داده‌شده است:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

بعد فردی: بعد فردی به ویژگی‌ها و خصوصیاتی اشاره دارد که مربوط به زنان روستایی است. در این پژوهش مؤلفه‌های مؤثر بر توانمندسازی زنان شامل: ویژگی‌های جمعیت شناختی و ویژگی‌های روان-شناختی است. مؤلفه ویژگی‌های جمعیت شناختی از طریق شاخص‌هایی چون: میزان تحصیلات، سن زنان، داشتن تجربه‌کاری، برخورداری از مهارت کافی و درنهایت مؤلفه ویژگی‌های روان‌شناختی از طریق شاخص‌های چون: اعتمادبه‌نفس، انگیزه‌های ایجاد اشتغال، میزان تعلق و دلبستگی زنان به خانواده وخویشاوندان تبیین می‌گردد. جهت بررسی این متغیرها در منطقه حاشیه‌نشین چابهار، به کمک داده‌های پرسشنامه شماره ۱، نتایج حاصل از تحلیل نرم‌افزار SMART PLS نشان داد که تمامی متغیرها به‌جز متغیر برخورداری از مهارت کافی، منجر به توانمندشدن زنان در منطقه حاشیه‌نشین چابهار می‌شوند. که با نتایج یافته‌های (مارین و همکاران، ۲۰۱۶)؛ (محمود و همکاران، ۲۰۱۱)؛ (علی و دیگران، ۲۰۱۰)؛ (حبیبوف و همکاران، ۲۰۱۷)؛ (گلرد، ۱۳۸۴) همسو است.

بعد محیطی: منظور از بعد محیطی هرآنچه که زنان روستایی در بوجود آوردن آن نقش بسزایی ندارند. در این پژوهش مؤلفه‌های مؤثر بر توانمندسازی زنان شامل: عوامل حمایتی و عوامل فرهنگی می‌باشند. مؤلفه عوامل حمایتی از طریق شاخص‌هایی چون: سیاست‌های حمایتی دولت، برنامه‌های آموزشی آگاه‌سازی (فردی و شغلی) وکارآفرینی، خدمات مشاوره شغلی به زنان، دسترسی به منابع مالی، شکل‌گیری تعاونی زنان روستایی، بهره‌مندی از خدمات بیمه‌ای، ارائه تسهیلات اشتغال به زنان خانوار، فراهم نمودن فرصت‌های شغلی، ترغیب و جلب همکاری مستمر ذینفعان در فرآیند توانمندسازی زنان، میزان حمایت اجتماعی از زنان سرپرست خانوار و کیفیت زندگی تبیین می‌گردد. مؤلفه‌های عوامل فرهنگی از طریق شاخص‌هایی چون: رفع تبعیض از بازار کار، عدم وجود نگرش‌های فرهنگی مردسالارانه، برخورداری زنان و دختران از آزادی‌های لازم برای کارآفرینی، حذف باورهای سنتی تبیین می‌گردد. جهت بررسی این متغیرها در منطقه حاشیه‌نشین چابهار، به کمک داده‌های پرسشنامه شماره ۱، نتایج حاصل از تحلیل نرم‌افزار SMART PLS نشان داد که تمامی متغیرها منجر به توانمندشدن زنان در منطقه حاشیه‌نشین چابهار می‌شود. که با نتایج یافته‌های (چیا و همکاران، ۲۰۱۷)؛ (توفیقیان‌فر و همکاران، ۱۳۹۵)، (ترابی مؤمن و همکاران، ۱۳۹۶)، (آراستی و ملکی کرم‌آباد، ۱۳۹۳). (موحدی و همکاران، ۱۳۹۸). (علی و دیگران، ۲۰۱۰) همسو است.

با توجه به داده‌های حاصل از پرسشنامه ۲، که به کمک نرم‌افزار Expert Choice رتبه‌بندی متغیرهای پژوهش صورت گرفت، مهم‌ترین شاخص توانمندساز زنان منطقه حاشیه‌نشین چابهار، اعتمادبه‌نفس است و شاخص‌های انگیزه‌های ایجاد اشتغال، میزان تحصیلات، رفع تبعیض از بازار کار، سیاست‌های حمایتی دولت به ترتیب در رتبه‌های دوم تا پنجم ازنظر اهمیت توانمندسازی زنان این منطقه برخوردارند. باتوجه به این نتیجه، می‌توان گفت، متأسفانه به زنان منطقه حاشیه‌نشین چابهار توجه خاصی نمی‌شود، دیدگاه سنتی خانواده مبنی بر اینکه زنان صرفاً در خانه مشغول به فعالیت باشند و اجازه حضور در مدارس، دانشگاه‌ها، محیط کار را نداشته باشند، انگیزه‌ای به زنان جهت اشتغال‌زایی و توانمندسازی نخواهد داد. براساس نتایج حاصل از تحلیل توصیفی پژوهش که متأسفانه آمار بالایی از زنان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

در این منطقه بی‌سواد هستند (۵۹/۵٪)، بستر دیگری را جهت سرکوب اعتمادبه‌نفس و انگیزه اشتغال‌زایی زنان این منطقه ایجاد خواهد نمود. بانک جهانی، گزارش توسعه جهانی خود را به موضوع برابری جنسیتی و نقش زنان در توسعه اختصاص داده است. این گزارش اظهار می‌دارد که موفقیت توسعه جهانی بر برابری جنسیتی و توصیه‌های سیاست‌های عمومی استوار است و عدالت جنسیتی را به‌عنوان وسیله‌ای برای تضمین رشد اقتصادی ترویج می‌دهد (World Bank, 2012: 54). در ایران توجه به توانمندی زنان تحت تأثیر فعالان فمینیستی و همچنین تحول پارادایمی در حوزه جنسیت و توسعه به‌ویژه از دهه ۱۳۷۰ به بعد موردتوجه سازمان‌های دولتی و غیردولتی قرارگرفته و برخی از سازمان‌های دولتی که عمدتاً در حوزه‌های اجتماعی به‌ویژه برای زنان فعال بوده‌اند؛ به‌طور مستقل یا با همکاری سازمان‌ها و کارگزاران بین‌المللی شروع به تجربه و گسترش ابتکارات توانمندسازی نمودند (تاراسی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۸). باتوجه به نتایج پژوهش حاضر جهت توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین چابهار پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

برگزاری دوره‌های انگیزشی همراه با سوادآموزی برای زنانی که سواد خواندن و نوشتن ندارند؛ شروع به کار چند زن موفق در استان سیستان و بلوچستان در این مناطق جهت ایجاد انگیزه و الگوبرداری از این افراد موفق؛ راه‌اندازی انجمن‌های تجاری و تخصصی زنان و اطلاع‌رسانی در مورد برگزاری کلاس‌های آموزشی به زنان این منطقه جهت آشنایی با راهکارهای استقلال مالی و خودکفایی؛ تأسیس صندوق اعتبارات خرد در این مناطق جهت اعطای وام‌های کم‌بهره با دوره بازپرداخت طولانی به زنان برای راه‌اندازی کسب‌وکار؛ تدوین برنامه‌های آموزشی آگاه‌سازی (فردی و شغلی) و کارآفرینی برای زنان از طریق صداوسیما استان سیستان و بلوچستان؛ شکل‌گیری تعاونی زنان روستایی در این مناطق؛ توجه بیش‌ازپیش دولت به زنان در این مناطق، برای فراهم‌سازی زیرساخت‌های لازم جهت شکوفا شدن استعدادها و توانمندی‌های زنان: رفع نمودن تبعیض از بازار کار و دسترسی به بازارهای داخلی برای فروش محصولاتشان.

۶) منابع

- آراستی، زهرا و محمدمهدی ملکی کرم‌آباد، (۱۳۹۳)، **عوامل نهادی رسمی و غیررسمی تأثیرگذار بر اجرای فعالیت‌های کارآفرینانه اجتماعی توسط زنان**. فصلنامه مطالعات اجتماعی- روان‌شناختی زنان، سال ۱۲، شماره ۱، صص ۱۱۸-۹۷.
- آراستی، زهرا، هادی زارعی و فاطمه دیده‌ور، (۱۳۹۲)، **بررسی سیاست‌های تنظیمی توسعه کارآفرینی اجتماعی با رویکرد تطبیقی**. فصلنامه توسعه کارآفرینی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۲۱۴-۱۹۵.
- **اساس‌نامه شرکت تعاونی روستایی زنان**، (۱۳۸۸). وزارت جهاد کشاورزی، سازمان مرکزی تعاونی روستایی ایران، دفتر توسعه و آموزش تعاون، تهران: آذرترین.
- بریمانی، فرامرز، زهرا نیک‌منش و سهیلا خداوردی‌لو، (۱۳۹۱)، **بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی، نمونه موردی: دهستان لکستان شهرستان سلماس**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۱، شماره ۱، صص ۸۲-۶۹.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

- تاراسی، زهرا، حسین کریم‌زاده و محسن آقایاری هیر، (۱۳۹۷)، **بررسی عوامل و محرک‌های مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی، موردمطالعه: شهرستان زنجان**، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال ۱۹، شماره۵۴، صص ۲۵۷-۲۳۷.
- ترابی مؤمن، الهام، غنچه راهب، فردین علی‌پور و اکبر بیگلریان،(۱۳۹۶). **بررسی اثربخشی مداخله مددکاری اجتماعی گروهی با رویکرد توسعه بر توانمندسازی روانی و اجتماعی**. مجله توانبخشی، دوره ۱۸، شماره۳، صص ۲۵۳-۲۴۲.
- توفیقیان، علی حسن، جمشید عزیزی، بتول صیفوری، فخرالدین بهجتی اصل و فرود قایدگیوی، (۱۳۹۵). **بررسی رابطه بین طرح‌های خودکفایی کمیته امداد امام خمینی (ره) و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار(مطالعه موردی: استان کهگیلویه و بویر احمد)**. فصلنامه زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان سابق) سال هفتم، شماره ۲، صص ۱۱۴- ۸۹.
- داوری، علی و آرش رضازاده، (۱۳۹۳. **مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزارPLS**، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- رنجبران، رسول، ۱۳۹۰. **زنان و مشارکت اجتماعی و کارآفرینی**. فصلنامه کار و جامعه، شماره ۱۳۳، صص ۹۲-۸۵.
- روشن نیا، داوود، رقیه خادمی شهریور و سعید قوتی، (۱۳۹۴). **چالش‌ها و موانع اجتماعی کارآفرینان زنان**، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۸۸، صص ۷۴- ۶۴.
- عنابستانی، علی‌اکبر، صادقلو، طاهره و مرادی، کبریا، (۱۳۹۶)، **تحلیل نقش مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه در توانمندسازی زنان روستایی، مورد: اعضای نظام صنفی کشاورزی شهرستان محلات**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۷، شماره ۱، صص ۲۱۹-۲۰۳.
- فیروزآبادی، سید احمد؛ ایمانی جاجرمی، حسین؛ دباغی، حمیده. تعاونی‌های زنان روستایی، **پتانسیلی برای کارآفرینی اجتماعی (مطالعه موردی: تعاونی زنان روستایی مهرآفرین ارم- شهرستان پاکدشت)**، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۶، ۱۳۹۷، صص ۱۷۳-۱۴۹.
- کریم‌زاده، مجید. (۱۳۹۸). **بررسی موانع کارآفرینی زنان بلوچ شهرستان سراوان. مجله مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان دانشگاه الزهرا**، دوره ۱۷، شماره ۲، صص ۳۴-۷.
- گلرد، پروانه، (۱۳۸۴). **عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان ایرانی**، پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۱، صص ۱۲۳-۱۰۱.
- محمدی، یاسر، فرشته عواطفی اکمل و مینا ضمیری آراسته، (۱۳۹۷)، **اثرات تأمین مالی خرد و توانمندسازی زنان روستایی در استان‌های کرمانشاه و همدان**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۷، شماره ۴، صص ۱۶۹-۱۸۸.
- معیدفر، سعید و نفیسه حمیدی، (۱۳۸۵). **زنان سرپرست خانوار: نگفته‌ها و آسیب‌های اجتماعی**، مجله علوم اجتماعی، دوره ۱۵، شماره ۳۲، صص ۱۵۸-۱۳۱.
- موحدی، رضا، زهرا حاجی هاشمی و نوشین شهیدی، (۱۳۹۸)، **عوامل اثرگذار بر کارآمدی پروژه‌های توانمندسازی زنان روستایی**، مورد: تعاونی‌های خرد اعتباری در استان اصفهان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۸، شماره ۱، صص ۱۸۲-۱۶۱.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

- وب‌گاه مرکز آمار ایران، **گزیده نتایج آماری سرشماری عمومی نفوس و مسکن**، ۱۳۹۵.
- جواهری، فاطمه و سرور قضاتی، (۱۳۸۳)، **موانع کارآفرینی زنان: بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی بر کـارآفرینی زنان در ایران**، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۲، صص ۱۷۸-۱۶۱.
- Austin, J., Stevenson, H., Wei- Skillern, J & Leonard, H. (2007). **Entrepreneurship in the Social Sector**. SAGE Publication, (10).
- Ali, W., Fani, M. I., Afzal, S. & Yasin, G. (2010), **Cultural Barriers in Women Empowerment: A Sociological Analysis of Multan, Pakistan,** European Journal of Social Sciences – VOL. 18, No 1.
- Bleck, J., Michelitch, K. (2018). **Is women's empowerment associated with political knowledge and opinions? Evidence from rural Mali**, World Development 106 (2018), pp. 299–323.
- Candida, B., Abdul, A., Donna, K. & Patrica, G. (2017). **The influence of human capital factors and context on women's entrepreneurship: Which matters more?** Journal of Business Venturing Insights, 8, pp. 105-113.
- Chia, L., Albert, E. & Rocío, T. (2017). **Female-Headed Households and Living Conditions in Latin America**. World Development, 90, pp. 311-328.
- Habibov, N., Barrett, B. J., Chernyak, E. (2017). **Understanding women's empowerment and its determinants in post-communist countries: Results of Azerbaijan national survey,** Women's Studies International Forum 62 , pp. 125–135.
- Hill, T. L., Kothari ,T. H & Shea, M. (2010). **Patterns of meaning in the social entrepreneurship literature: a research platform**. Journal of Social Entrepreneurship, VOL. 1, No 1, pp. 5–31.
- Mahmud, S., Shahnirali, M, Becker, S. (2011). **Measurement of women's empowerment in rural Bangladesh,** Worrld development Vol.
- Marian, H., Zuzana, J. & Zuzana, K. (2016). **Drivers of Women Entrepreneurship in Visegrad Countries: GEM Evidence.** Procedia - Social and Behavioral Sciences, 220, pp. 124-133.
- Mello, D., Schmink, M. (2016). **Amazon enterpreneurs: Women's economic empowerment and the potential formore sustainable land use practices**, Women's Studies International Forum xxx (2016) xxx–xxx.
- Narayan, D. (2001). **Consultations with the poor from a health perspective.** World Development, VOL. 44, No 1, pp. 15-21.
- Ribes-Giner, G., Moya-Clemente, I., R. Cervelló-Royo, R & M. R. Perello-Marin, M. R. (2018). **Domestic economic and social conditions empowering female entrepreneurship**. Journal of Business Research, 89, pp. 182-189.
- Urbano, D., Toledano, N & Soriano, D. (2010**). Analyzing social entrepreneurship from an institutional perspective: Evidence from spain**. Journal of social entrepreneurship, VOL. 1, No 1, pp. 54-69.
- Fatemi, I., H. Razeghi, M.R. Rezaei, L. Vahedi(2011),**Theimportance of rural women empowerment in rural development,Advances in Environmental Biology,** VOL. 5, No 9, pp. 2989-2993.
- World Bank (2012), **World Development Report: Gender Equality and Development World Bank**, Washington, DC(2012).https: //openknowledge.worldbank.org/handle/10986/4391.
- Bennett, Lynn (2002), **Using Empowerment and Social Inclusion for Propoor Growth: A Theory of Social Change**. Working Draft of Background Paper for the Social Development Strategy Paper. Washington, DC: World Bank.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]

- Longwe Sara H. (1991), **Gender Awerness: the Missing Element in the Third World Development Project, a Chapter of "Changing Perceptions: Writing on Gender and Development"**, by Wallace T. & March C.: OXFAM.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.3.2]